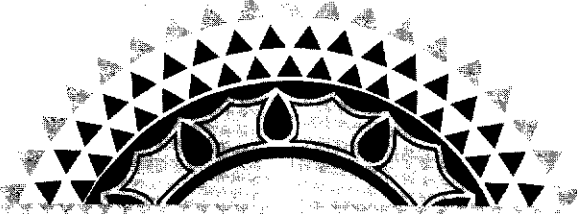


تتلیت در گذر تاریخ





مقدمه *

بررسی دو هزار سال تاریخ تفکر مسیحی، ما را با طیف وسیعی از نظرات و عقاید فلسفی آشنا می‌کند که براساس حقایق مکشوف در کتاب مقدس و متناسب با شرایط تاریخی و فرهنگی عصر، نظریه‌پردازی شده‌اند. برخی از آراء و نظرات نه تنها بر عالم مسیحیت بلکه بر عالم غیردینی غرب نیز تأثیرات شگرفی داشته‌اند.

برخی از آثار متفکران، فیلسوفان و متألهان مسیحی تأثیرات عمیقی بر حیات اجتماعی و سیاسی روزگارشان برجای گذاشته و موجب تحول بسیاری از جوامع غربی شده‌اند. درک این تغییر و تحولات و تأثیرات آن ممکن نیست مگر با مروری بر کلام مسیحیت از ظهور تا عصر حاضر. و از آنجا که مبحث تثلیث از موضوعاتی است که از اولین دوره‌های مسیحیت تاکنون موضوع مباحث فلسفی بوده و باعث تغییرات بنیادی در تاریخ مسیحیت شده است، در این مقاله مروری اجمالی بر تاریخ تثلیث داریم و به پیدایش و روند آن در گذر زمان می‌پردازیم. برای ورود به بحث علاوه بر سیر تاریخی، مفهوم تثلیث و تثلیث در کتاب مقدس نیز مورد بررسی اجمالی قرار گرفته است.

بررسی و درک مفهوم تثلیث و تحولات آن پس از دوران اولیه مسیح را به فرصت‌های آینده موکول خواهیم کرد.

مفهوم تثلیث

نویسندگان مسیحی عرب زبان برای رساندن مفهوم تثلیث، از واژه یونانی الاصل «لقنوم» و از کلمه «صفت» (به معنای مظهر) استفاده کرده‌اند. معادل لاتینی کلمه اقنوم، persona به معنای «ماسک» یا «راه وجود» است. (۱)

برخی اقنوم (۲) را به معنای شخص یا اصل به کار برده‌اند. در مسیحیت اصطلاح «چیزها»، پراگماتا، به جای اقنوم و اشخاص برای توصیف سه شخص تثلیث به کار رفته است. مسیحیان، خدا را دارای یک ذات و سه اقنوم می‌دانند و به دلیل اعتقاد به یکتایی ذات، خود را یکتاپرست و به دلیل اعتقاد به سه اقنوم، خود را پیرو تثلیث می‌شمرند.

از آباء کلیسا که نخستین بار کوشیدند آموزه تثلیث را به زبان فلسفی بیان کنند، اوریمن بود که پدر و پسر را به صورت دو چیز (پراگماتا) از لحاظ شخص توصیف کرده و ترتولیان نیز استدلال کرده که کلمه عبارت از آوا و صوت دهان نیست، بلکه یک چیز و یک شخص است و به همین دلیل هر یک از سه شخص را یک شیء وجودی توصیف کرده است. بنابراین پدر، پسر و روح القدس هر یک شخص، اقنوم یا شی (معنا) هستند. (۳)

تثلیث در کتاب مقدس

کلمه تثلیث (سه گانه)، هیچ‌گاه در کتاب مقدس وارد نشده است. کلمه یونانی تثلیث (۴) را به زبان یونانی، نخستین بار تئوفیلوس (۵) (۱۸۱ م.) به کار برد.

نخستین بار ترتولیان (۲۲۰ م.) از این لفظ به زبان لاتین استفاده کرد. (۶) در عهد عتیق صریحاً از خدای واحد و یگانه، قهار و مالک جهان یاد شده است، به طوری که از مهم‌ترین ویژگی‌های عهد عتیق، اعتراف و اعتقاد به خدای یگانه و قادر محسوب می‌شود.

«من یهوه هستم و دیگری نیست و غیر از من خدایی نیست، جدای از من احدی نیست.» (۷) «یهوه خداست بالا در آسمان و پایین بر روی زمین و دیگری نیست.» (۸)

«تو به تنهایی یهوه هستی» (۹) برخی از محققان مسیحی اظهار داشته‌اند که تثلیث به صورت حقایقی مکتوم در عهد عتیق وجود داشته است، از جمله استفاده از کلمه جمع الوهیم (۱۰) برای خداوند و سه بار تکرار لفظ قدوس در اشعیا و عباراتی نظیر «او را برگزیده‌ام تا پسر من باشد و من پدر او» (۱۱) و «اسرائیل پسر من و نخست زاده من است.» (۱۲)

برخلاف عهد عتیق، در عهد جدید هم بر توحید و هم بر تثلیث تأکید شده است. عهد جدید، هنگام اشاره به خدا، واژه یونانی هویوس را به کار می‌برد که به معنای خدای ازلی، خالق، زنده کننده و مولای تواناست. این کلمه به خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب، موسی و پیامبران دیگر اشاره دارد. در عهد جدید هرگز عیسی و روح القدس، هویوس خوانده نشده‌اند.

همچنین مصادیق دیگری که حکایت از وحدانیت خداوند دارد، در عهد جدید بسیار به چشم می‌خورد.

«خدایی دیگر جز یکی نیست.» (۱۴) «زیرا که خدا واحد است و جز او دیگری نیست.» (۱۵)

در کنار این عبارات، جملاتی که اشاره به تثلیث دارد و مورد استناد مسیحیان قرار می‌گیرد، نیز در عهد جدید مشاهده می‌شود و ریشه‌های مفهوم سه گانگی در عهد جدید کاملاً احساس می‌شود. «ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمیم دهید.» (۱۶)

«من و پدر یک هستیم.» (۱۷) «شمعون پطرس در جواب گفت: تویی مسیح، پسر خدای زنده.» (۱۸)

«در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. همان در ابتدا نزد خدا بود. همه چیز به واسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت.» (۱۹)

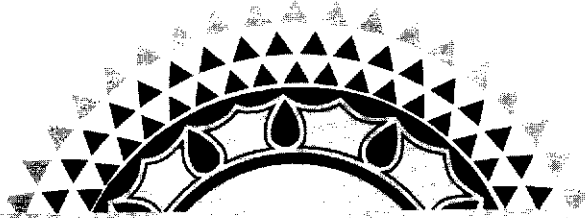
و «روح القدس) از امور آینده به شما خبر خواهد داد. او مرا جلال خواهد داد.» (۲۰) با بررسی اناجیل چهارگانه و عهد عتیق، کاملاً روشن است که در هیچ‌یک از آنها، عیسی صریحاً خداوند خوانده نشده است و برای کسی که سابقه آشنایی ذهنی با تثلیث ندارد، نیز مفهوم سه گانگی در مفاهیم کتب مقدس تداعی نمی‌شود، اما پس از توجه و تفسیر آیات و تأثیر افرادی چون پولس که اندیشه الوهیت را به دین مسیح وارد کرده است، تعابیر سه گانگی و تثلیث از آن برداشت می‌شود.

تحولات تثلیث در گذر تاریخ

شاگردان مسیح و مسیحیان اولیه، عمدتاً یهودی بودند و در مجموع گروهی تلقی می‌شدند که به عنوان بدعت از یهودیت خارج شده بودند. ناصری‌ها در کنار دیگر گروه‌های موجود در یهودیت، چون فریسی‌ها، صدوقی‌ها و اسین‌ها مشاهده می‌شدند. تا قرن ۷ میلادی، اقلیت کوچک مسیحیان به صورت پراکنده به سر می‌بردند و در مورد پیروی از شریعت یهود مباحثه می‌کردند. آنها تنها در کلیسای اورشلیم گرد می‌آمدند و اعتقادنامه‌های کوتاه و غیررسمی را بر زبان می‌راندند و نظم خاصی نداشتند. پس از تخریب کلیسای اورشلیم توسط رومی‌ها، ضرورت ایجاد تشکیلات و آیین خاص، احساس شد. در اولین اعتقادنامه‌های رسمی، تثلیث به عنوان یکی از ارکان اعتقادی مسیحیت دیده می‌شود؛ که با مواجهه آراء و نظرات فلسفی گوناگون به تدریج تغییرات و تحولاتی در آن پدید آمد. اعتقادنامه حواریون (۲۱) (اعتقادنامه رسولان) که در سال‌های ۱۵۰ میلادی رواج داشت و به نام سمبل قدیمی روحی نیز خوانده می‌شد، اعتراف‌نامه مختصری بود که مبتنی بر خداوند، عیسی و روح القدس است و در ارتباط با سه اقنوم، شهادت‌نامه کوتاه‌تری داشت.

گفته شده که این اعتقادنامه توسط دوازده خواری مسیح تدوین شده و هر یک از آنان یکی از جملات آن را نوشته است و طی سال‌ها، جملات جدیدی به آن اضافه شد.

با پیدایش فرقه‌ها و نهضت‌های متفاوت و تفاسیر گوناگون از اقنوم سه گانه، اسقف‌های مسیحی، با ایجاد شوراهایی درصدد مقابله با بدعت‌ها و نظرات جدید در مسیحیت برآمدند که با ترتیب زمانی به ذکر آنها می‌پردازیم:



الف- شورای نیقیه (نیکانیه) (۲۲)

در سال ۲۲۵ میلادی در شهر نیقیه، ۳۰۰ تن از رهبران مسیحی که عمدتاً از نواحی شرق امپراتوری بودند، به دعوت کنستانتین، امپراتور روم، گرد هم آمدند (۲۳) و اعتقادنامه‌ای را صادر کردند. در این اعتقادنامه تأکید شد که پسر (عیسی مسیح) از لحاظ ماهوی با خدای پدر از یک جنس به وجود آمده، از این رو «خود خدا» و یا «از خود خدا» است. علاوه بر این عیسی پسر از روزگار قدیم پسر بوده است، وی مخلوق نبوده و همچون پدر موجود ازلی است.

در واقع این اعتقادنامه، در پاسخ به نظریات آریوس بود که اعتقاد داشت که تنها پدر خداست و پسر مخلوقی بود که از نیستی خلق شده است. (۲۴) شورای نیقیه، توانست در مورد نسبت عیسی (ع) با خداوند به تعریف روشنی دست یابد، اگرچه نتوانست به شبهات اساسی دیگر از قبیل ماهیت خداوند و روابط متقابل خدا، عیسی و روح القدس پاسخی روشن دهد.

- آتاناسیوس: در سال ۳۶۲ میلادی در شهر اسکندریه، شورایی تحت هدایت آتاناسیوس برگزار شد و او سعی کرد تا پاره‌ای از سوءفاهم‌ها درباره برخی اعتقادات از قبیل اینکه خداوند می‌توانست «دو شخص اما از یک ماده واحد» باشد را برطرف کند. (۲۵)

- پدران کاپادوکیایی: (۲۶) پدران کاپادوکیایی، به جهت مخالفتشان با آریانیسم و تعلیم مبتنی بر تثلیث‌شان اهمیت یافته‌اند. آنان تبیینی صریح و روشن در مورد رابطه بین یگانگی و سه‌گانگی خدا ارائه دادند. اما این تفسیر، آنان را در معرض اتهام سه‌خداگرایی (اعتقاد به وجود سه خدا) قرار دارد.

ب- شورای افسس

در سال ۴۳۱، یکی از اسقف‌های سوری به نام نسطور، اعتقادات خود را مبنی بر اینکه عیسی در واقع دو شخص بود: شخص بشری و شخص الهی، بیان کرد. او اظهار داشت که شخص بشری عیسی را، مریم زائید ولی شخص الهی کلمه ازلی خداست. (۲۷)

شورای افسس به منظور محکوم کردن تعلیم نسطور تشکیل شد و اعلام داشت که عیسی شخص واحدی است که مریم باکره او را زائید و کلمه ازلی خدا در وی قرار گرفت و با آن به‌طور کامل اتحاد یافت. شماری از مسیحیان نظر شورا را نپذیرفتند و بر عقاید نسطور باقی ماندند. (۲۸)

ج- شورای قسطنطنیه

در سال ۳۸۱ میلادی در شهر قسطنطنیه، شورایی توسط امپراتور ثئودوسیوس اول (۲۹)

برگزار شد. هدف از این شورا را متحدکردن کلیسا و روحانیت مسیحیت پس از یک دوره طولانی از مجادلات و مباحثات بر عقاید آریوس بود. این شورا را می‌توان شورای پدران کاپادوکیایی نیز نام نهاد، زیرا دو تن از آنان در جلسه حضور داشتند. این اعتقادنامه را با وجودی که عاری از جوهر و ماده واحدی است، تصور کرده‌اند. این مفهوم، امروزه به نام نظریه تثلیث شناخته می‌شود و عقیده جزمی- محوری در ایمان مسیحی است. قابل ذکر است که این اعتقادنامه هر یکشنبه و اعیاد در کلیسا خوانده می‌شود. متن اعتقادنامه به شرح زیر است:

«من به خدای واحد، پدر متعال اعتقاد دارم؛ سازنده آسمان و زمین و همه آنچه دیدنی (پیدا) و نادیدنی (ناپیدا) است و نیز به عیسی مسیح (ع)، رب یا اله واحد، تنها پسر به‌وجودآمده از ناحیه خدا، به‌وجودآمده توسط پدر قبل از همه جهان‌ها، نور نور، عین عین خدا، مولود، نه ساخته شده، که با پدر از یک جنس است؛ که همه چیز را او ساخته است. کسی که به خاطر ما انسان‌ها و به خاطر نجات و رستگاری ما از آسمان نازل شد و توسط روح القدس در مریم باکره حلول یافت و به‌صورت بشر درآمد و همچنین به خاطر ما زیر نظر پونتئوس پیلات به صلیب کشیده شد؛ وی رنج و عذاب کشیده، دفن شد؛ و مطابق نوشته‌های کتب مقدس در سومین روز از قبر برخاست و به آسمان‌ها عروج کرد و در دست راست خداوند نشست؛ و او روزی با افتخار و شکوه بازخواهد گشت تا بر زنده و مرده هر دو قضاوت کند؛ کسی که سلطنت و مملکت او پایان‌ناپذیر خواهد بود.

و نیز به روح القدس، خدای رب و حیات‌بخش؛ که از پدر سرچشمه گرفت و با پدر و پسر یکجا مدح و پرستش می‌شوند؛ آنکه از ناحیه پیامبران سخن گفت و نیز [اعتقاد دارم] به یک کلیسای واحد مقدس کاتولیک اسقفی. من انجام غسل تعمید را برای سست‌وشوی گناهان قبول دارم و در انتظار رستخیز مردگان و زندگی در حیات اخروی هستم. آمین.

درواقع مباحثات مربوط به تثلیث رسماً در سال ۳۸۱ میلادی پایان گرفت. بحث و مجادلات بعدی که در شوراهاى مختلف مطرح شد، عمدتاً به عنوان مجادلات مسیح‌شناسی (۳۰) مشهور است و تا قرن پنجم نیز ادامه یافت.

د- شورای کالسدون (۳۱)

این شورا در سال ۴۵۱ در شهر کالسدون که کنار تنگه بسفر و در نزدیکی قسطنطنیه قرار داشت،

برگزار شد. در شورای کالسدون، مفهوم ارتدوکسی درباره شخص عیسی تبیین شد. این شورا تلاش کرد تا بین تفاسیر اسکندریه و انطاکیه موضوع میانه‌ای اتخاذ کند. براساس این اعتقادنامه، حضرت عیسی مسیح (ع) دارای دو واقعیت ذاتی همانند است: یکی واقعیت ذاتی خداوند پدر و دیگری حقیقت (واقعیت) ذاتی هر فرد انسانی و این دو در حقیقت بدون هیچ تحول و تبدیلی، با یکدیگر ترکیب می‌شوند. (۳۲)

این شورا، علاوه بر اینکه تعلیم مونوفیزیت‌ها (معتقدان به طبیعت یگانه) را نفی کردند، راه را برای تحول مفاهیم الهی در آینده بازگذاشتند. (۳۳) همچنین اعتقادنامه‌های شوراهای نیقیه و قسطنطنیه مورد تصویب قرار گرفتند.

کلیسای شرق پس از شورای کالسدون، چندین قرن توجه خود را به مباحثه‌ها و مناقشه‌های مربوط به شخصیت عیسی معطوف کرد، اما برخی از کلیساهای شرقی و از جمله مصر، مفاد اعتقادنامه کالسدون را نپذیرفتند. در نهایت این شورا، تفرقه و جدایی را در کلیسای شرق عمیق‌تر کرد.

ذ- شورای قسطنطنیه

در سال ۵۵۳ این شورا تشکیل و برای دلجویی از کلیسای اسکندریه، تعبیر خاص آن کلیسا از اعتقادنامه کالسدون گنجانده شد. (۳۴) این شورا در پی این بود تا با ارائه تفسیری مبتنی بر تعلیم اعتقادنامه کالسدون، مونوفیزیت‌ها را آرام کند و بالاخره شورا یکی از اصول مونوفیزیت‌ها را تصدیق کرد، یعنی این اصل که یکی از سه اقنوم تثلیث در جسم مصلوب شد.

ح- شورای قسطنطنیه

در سال ۶۸۱-۶۸۰، ششمین شورای جهانی مسیحیت تشکیل شد. این شورا، «تعریف ایمان» را تدوین کرد. در این بیانیه گفته می‌شود که شورا، پنج شورای مقدس و جهانی را به شکل کامل تأیید می‌کند و بر تصمیم‌های آنان صحنه می‌گذارد. همچنین در بیانیه اعلام می‌کند که در عیسی مسیح دو اراده ذاتی و دو عملکرد ذاتی بدون تغییر و جدایی وجود دارد، همچنین اقرار به اینکه عیسی مسیح یکی از سه اقنوم تثلیث بوده و حتی خدای حقیقی است.

تثلیث در مغرب زمین

بحث تثلیث در مغرب زمین ابتدا توسط آگوستین و سپس توماس آکوئیناس یکی از رهبران نهضتی به نام اسکولاستیک‌ها (مکتب اصحاب مدرسه) در دین مسیح، مطرح شد. (۳۵) آکوئیناس تمام کوشش خود را صرف این کرد که اصول نظری مسیحیت را بر پرتو فلسفه ارسطویی

از نو تفسیر کند و دقت داشت تا بین عقل و ایمان به درستی تمیز دهد. در واقع مکتب فلسفی مدرسی، یک نهضت قرون وسطایی و برای اصول نظری دین نوعی اقتدار و اعتبار نهادآور قائل بود و در جهت کسرش و پلایش این نظریه در مورد ایمان مذهبی فعالیت داشت.

نظریات ضد تثلیث در مسیحیت

علاوه بر نظریات فرقه‌های مسیحی اولیه، چون ایون (۳۶) (یوحنا)، تینی (فرزندخواندگی) و آریانیسم و سابلیانیسم (پنتیکاست امروزی) که تاکید بر وحدانیت خداوند (پدر) داشته و عیسی را انسان عادی و واسطه بین خداوند و انسان می‌دانستند، در قرون مآخر نیز نظریات ضد تثلیثی شکل گرفت که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

کلیسای ضد تثلیث

نخستین کلیسای ضد تثلیث در سال ۱۵۵۶ میلادی در لهستان ایجاد شد. در این کلیسا، یکتاپرستی مسیحی اشاعه می‌شد. این نوع آموزه در انگلستان بیش از ۵۰ هزار نفر، در آمریکا نزدیک به ۷۰ هزار نفر و در رومانی بیش از ۷۵ هزار نفر پیرو دارد.

مکتب سوسینانیزم (۳۷)

این مکتب پروتستانی افراتی، به راست دینی مسیحی حمله کرد. مؤسس آن سوسینوس بود. این نهضت مقدمه ظهور یونیماریزم (۳۸) (یک‌گانه‌نگاری خدا و نفی الوهیت از مسیح و روح القدس) و آزاداندیشی بود. آنها کتاب مقدس را قبول داشتند، ولی بی‌تقص نمی‌دانستند. آنها اعتقاد داشتند که هرچه مخالف عقل با منطق و با اخلاق باشد، نمی‌تواند الهام الهی باشد. به نظر آنان عقیده تثلیث به دلیل ناپدید شدن عقاید ناقص فلاسفه یونان در نوشته‌شدن اعتقاداتنامه‌ها به وجود آمده و مردود است. آنها الوهیت عیسی را قبول داشتند، اما او را انسان برتر می‌دانستند. (۳۹)

نظرات ادولف فن هارناری

یکی از دانشمندان الهیات یکتاپرستانه، کتابی به نام «مسیحیت چیست؟» را منتشر کرد. او مسیحیت را بسیار ساده تلقی کرد. او معجزات عیسی را انکار و تاکید کرد عیسی ادعا نکرده که مسیح موعود خداست و الوهیت دارد، بلکه پولس و عقاید یونانی باعث شدند که الهیات ساده مسیحی به الهیاتی پیچیده تبدیل شود. (۴۰)

* بسیار از تحلیلهای در ظاهر حکایت از عدم وجود و نبود در ذات خدا دارد، یا آموزه‌های اسلام با سازگار می‌نماید و از این رو نجد در این مکتب برده‌ایسم صرفاً نگاه مسیحی به مساله نیست.

منابع و ماخذ:

- ۱- زمینی، ژاک، محترم‌نامه مسیحیت، فلسفی، تهران، سروش، ۱۳۸۲
- ۲- تینی، تونی / تاریخ تفکر مسیحی، روبرت اسپران، تهران، ققنوس، ۱۳۸۰
- ۳- آنتونی، جلال الدین / حقیقی در دین مسیح، تهران، نگارن، ۱۳۶۸
- ۴- نیشل، توماس / کلام مسیحی، حسن بوقعی، قم، مرکز عطا حاک و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷
- ۵- ویر، رابرت / جهان مذهبی در جوامع امروز، عبدالرحیم کوهی
- ۶- هورن، ویلیام / راهنمای الهیات پروتستان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، بی‌تا
- ۷- هولند، انار / جهان مسیحیت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸
- ۸- وسمون، هری اوسترین / فلسفه عدم کلام، بی‌تا، انتشارات الهدی، ۱۳۶۸
- ۹- کتاب مقدس
- ۱۰- تین، هنری، الهیات مسیحی، قم، انتشارات حیات نبدی

پی نوشت‌ها:

- ۱- توماس نیسل، کلام مسیحی، ص ۷۵
- ۲- اولی، ژاک، مسیحیت، ص ۱۰۲
- ۳- آنتونی، جلال الدین، حقیقی در دین مسیح، تهران، نگارن، ۱۳۶۸
- ۴- نیشل، توماس / کلام مسیحی، حسن بوقعی، قم، مرکز عطا حاک و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷
- ۵- ویر، رابرت / جهان مذهبی در جوامع امروز، عبدالرحیم کوهی
- ۶- هورن، ویلیام / راهنمای الهیات پروتستان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، بی‌تا
- ۷- هولند، انار / جهان مسیحیت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸
- ۸- وسمون، هری اوسترین / فلسفه عدم کلام، بی‌تا، انتشارات الهدی، ۱۳۶۸
- ۹- کتاب مقدس
- ۱۰- تین، هنری، الهیات مسیحی، قم، انتشارات حیات نبدی

2-principle
۳- ولسون، فلسفه عدم کلام، ص ۱۳۹، برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به تونی تینی، تاریخ تفکر مسیحی، ص ۲۴ و مسیحیت‌شناسی مقاله‌ای، محمد رضا زبانی‌نژاد

4-Thias
۵- سوخیل، آگاسی (۱۸۰)، به نقل از کلام مسیحی، ص ۷۳- هنری ماس، الهیات مسیحی، ص ۸۸

6-Thinitas
۷- سعیا ۵/۴۵
۸- تینی ۳۹/۴
۹- نجیب ۶/۹

10-Elohim
۱۱- اول تاریخ ۶/۲۸
۱۲- خروج ۲۲/۰۴، ص ۴۴/۶
۱۳- یوحنا ۲۸/۲۰
۱۴- اول قرنتین ۲/۸
۱۵- مقدس ۲۲/۱۲
۱۶- بابان ابرجل ص ۶۹
۱۷- یوحنا ۲/۱۰، لاره به ذکر آمد که عیسی، خداوند را با کلمه، عامیانه Dady و ترجمه پدر سفا می‌کرد.

۱۸- ص ۱۶/۱۶
۱۹- یوحنا ۱/۱
۲۰- یوحنا ۲/۸/۶

21- Apostie's creed
22-Nicaea (نقیه)
۲۳- تونی تینی، تاریخ تفکر مسیحی، ص ۵۰
۲۴- رابرت ویر، جهان مذهبی ادیان در جوامع امروز، ص ۲۳۱- توماس نیسل، کلام مسیح، ص ۱۰۲
۲۵- همان، ص ۲۲۲- تونی تینی، تاریخ تفکر مسیحی، ص ۶۷
۲۶- ایران کاتولیک‌ها، سائیل یاسیل قیصریه، کونکورد، ناآ، ترونی و گریگور توماسی می‌نماید
۲۷- توماس نیسل، کلام مسیحی، ص ۱۰۲
۲۸- سروان نسلور، در ایران، عراقی و ترکیه در گذشته و در قرن نوزدهم تا نوزدهم کلیسای کاتولیک نام کاتولیک کدانی را بر خود نهادند.

29- Theodosius
30- Christo Logical
31- Council of Chalcedon
۳۲- تونی تینی، تاریخ تفکر مسیحی، ص ۱۰۲- رابرت ویر، جهان مذهبی در جوامع امروز، ص ۲۲۶
۳۳- توماس نیسل، کلام مسیحی، ص ۱۰۳
۳۴- رابرت ویر، جهان مذهبی، ص ۱۰۷
۳۵- همان، ص ۲۲۵

36-Ebionites
37- Socinus
38- Unitarianism
۳۹- انار مولد، جهان مسیحیت، صص ۳۱۵-۳۱۰
۴۰- ولیم هورن، راهنمای الهیات پروتستان، ص ۴۴

